

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: م. ک. بهادر اکومار

فرستنده: عثمان حیدری

۲۶ جنوری ۲۰۲۰

امریکا برای بازگشت «مرد قدرتمند» به عراق توطئه می‌چیند



فقدان قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس احساس می‌شود. دو ملاقاتی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در روز چهارشنبه در حاشیه همایش اقتصادی جهان در سوئیس با نچیرروان بارزانی رئیس دولت کردستان عراق و با برهم صالح رئیس‌جمهور عراق داشت، نشانگر برنامه واشنگتن برای عقب راندن نفوذ ایران در عراق است. به نظر می‌رسد بارزانی، که نقش اصلی را برای استحکام خودمختاری مناطق کرد در شمال سوریه بازی می‌کند، در شرایط جدید به طرف صحبت کلیدی برای واشنگتن مبدل می‌شود. در واقع، از منظر واشنگتن، کردستان عراق یک واحه ثبات است و می‌تواند برای حضور نامحدود ایالات متحده در منطقه نقطه اتکاء باشد. انتقال نفت از شرق سوریه نیز از طریق کردستان عراق امکان‌پذیر می‌شود.

در شرایطی که نخست‌وزیر عبدالمهدی فعلاً در یک جایگاه موقت قرار دارد، بغداد قادر به عمل نبوده و در مقام تحمیل اقتدار بر منطقه کردستان شمالی نیست. به علاوه، صالح که خود کرد است، به مشتاق بودن به خدمتگزاری به امریکائی‌ها در خلاء قدرت کنونی، شهرت دارد.

با توجه به نابسامانی عمومی در میان احزاب شیعه و زدبندهای ایالات متحده با بسیاری از آن‌ها، امروز هیچ نقطه قانونی در میان شیعیان وجود ندارد که بتواند احساسات ضد امریکائی نهفته را کانالیزه نماید. این جایی است که نبود سلیمانی شدیداً احساس می‌شود. او در سراسر منطقه و با همه گروه‌های قومی ارتباط داشت و از اطمینان و اعتماد شرکای عراقی برخوردار بود. ترمیم پل‌های شکسته، اگر اصلاً امکان‌پذیر باشد، زمان لازم دارد.

این به موفقیت «راهپیمائی میلیونی» روز جمعه در بغداد بستگی زیادی خواهد داشت. راهپیمائی در پاسخ به فراخوان "مقتدا صدر" برگزار می‌شود. او که یک ملی‌گراست به تازگی به ایران نزدیک‌تر شده است. راهپیمائی، اعتراضات ماه‌های اخیر را که مورد حمایت ایالات متحده است و هدف آن از بین بردن نفوذ ایران در عراق است، به تحت‌الشعاع قرار گرفتن و به حاشیه رانده شدن، تهدید می‌کند.

پرسش بزرگ درباره آینده نیروهای شبه‌نظامی است، که ابومهدی المهندس، رهبر قدرتمند میلشایی شیعه (که در همان حمله هوائی که ایالات متحده سلیمانی را هدف قرار داد، کشته شد) فرمانده آن بود. «نیروهای بسیج مردمی» از ۱۰۰ هزار نفر و حدود ۵۰ میلشیا‌های مختلف که اکثراً، اما نه تماماً شیعه هستند، تشکیل می‌شود و در عمل گروه‌های هوادار ایران در آن در اقلیت قرار دارند. این جناح‌های رقیب در «نیروهای بسیج مردمی» تاریخی از برخورد با هم داشته و به طیفی از چهره‌ها بیعت دارند.

المهندس استاد کاردانی بود که تحت نظارت مستقیم سلیمانی «نیروهای بسیج مردمی» را به وجود آورد. برای ایران بازآفریدن رهبری این دو شخصیت برجسته به جبهه مقاومت در عراق غیرممکن خواهد بود. آیا «نیروهای بسیج مردمی» به مثابه یک جناح سیاسی قدرتمند باقی خواهد ماند، یا در آینده‌ای نامعلوم شکار نیروهای درنده خواهد شد؟ در غیبت یک فرماندهی مرکزی کارآمد، نبردهای ستیزه‌جو بر سر جانشینی ممکن است حتی بین گروه‌های هوادار ایران در درون «نیروهای بسیج مردمی» و بلوک صدر رخ دهد.

در این شرایط هرج‌ومرجی که در عراق وجود دارد، بازگشت سیاست‌های عراق به وضع سابق غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین به نظر می‌رسد این برنامه پنهان ایالات متحده باشد. اعتراضاتی که ایالات متحده از آن حمایت می‌کند، نامزدها برای نخست‌وزیر جدید را رد می‌کند و خواهان پایان دادن به نظام سیاسی فاسدی است که براساس خطوط فرقه‌ای تقسم می‌شود. این، انتخاب نخست‌وزیر جدید را بی‌نهایت پیچیده می‌کند. این بن‌بست به سود ایالات متحده است، زیرا نظام سیاسی که احزاب سیاسی شدیداً فاسد بر آن مسلط می‌باشند و آن‌را به ایران وصل می‌کنند، نظامی است که واشنگتن در دوره اشغال آن را آفرید.

این خطر فزاینده وجود دارد که ریزش کامل دولت عراق به تکرار تاریخ بینجامد. شرایط پر هرج‌ومرج مشابه، در فبروری ۱۹۶۳ به «انقلاب رمضان» (کودتای نظامی جناح عراقی حزب بعث)، که «سیا» از آن حمایت کرد، انجامید. بدون تردید، ترمپ از چنین پایانی خشنود خواهد شد.

منبع: نیوز کلیک

تارنگاشت عدالت